

# اوضاع مالی و اقتصادی افغانستان

## در قرون نخستین اسلامی

در عصر خلافت امویان و اوایل دوره عباسیان فتوحات اسلامی با افغانستان و بلاد سند و هند غربی رسید و بنابراین اکثر پیداوار هند از قبیل ادویه و عقاقیر و منسوجات و مصنوعات هندی از مراکز تجارتی ملتان و دیبل و منصوره رو به هند و ارور (روهری) و قندابیل (گنداوی) و قزدار (خضدار کنونی) و غیره شهرهای معمور طوران و وادی سند، به راه زابل و سیستان و هرات به فارس و عراق و بلاد متمدن عربی مانند بغداد و دمشق و غیره به طور تجارت برده می شدند. به قول اصطخری و ابن حوقل فانید (شکر سپید) قزدار و مکران و طوران (بلوچستان کنونی) در تمام خراسان و عراق تجارت می شد. و طوریکه البشاری مقدسی گوید: کارخانهای بزرگ نوع اعلی و سپید دانه دار شکر در طوران بود.

هکذا قوافل تجارتی پنجاب از راه های پشتونستان کنونی به کابل و غزنه و خراسان و بخارا و ماوراء النهر میطشتند، و از آنجا اموال چینی را به هند انتقال میدادند.

از امتعه معروف تجارتی، منسوجات ابریشمی خراسان و مرو بودند، که قوافل آن به چین نیز می رفتند، و به قول هیداین تجارت در عصر عباسیان وسعت تمام یافته بود که ظروف هندی و آهن خراسان و منسوجات رنگین کشمیر، و عود و مشک و دارچینی از چین، و عود و قرنفل و نارگیل و البسه نخی و فیل هند و سند از راه افغانستان باراضی غربی کشور عربی برده می شدند. (۱)

چون باثر استقرار حکومت اسلامی در خراسان امنیت روی داد، لهذا در بلاد سامانیان، تجارت چین اندر زیادت شد، و هم چون فتوحات سلطان محمود کشور وسیع هند را با ممالک عربی وصل کرد، لهذا اوضاع تجارتی تمام خراسان و ممالک آسیای وسطی پیشرفت نمایانی کرد.

ابوزید سیرافی گوید: که از هندوستان قوافل متواتر به خراسان و از آنجا به هند می آیند. راه این قوافل بزرگ، زابلستان (وادی ترنگ و ارغنداب) است که همین جا، براه قزدار و کیزکان (قلات) و مکران می روند. و براه شال (کویت) و دره بولان و سیبی با سند نیز تجارت میکردند. و منسوجات ساخت هرات به قول ابن اثیر شهرت به سزایی داشت.

به قول جوزجانی: بلهاری نیز از مراکز تجارتی هند بود، که در آن تجار هند و خراسان بودند، و تجارت مشک آن مشهور بود. همچنان جلوت و بلوت و لمغان و دینور (جلال آباد) و یهند مراکز تجارتی هند و خراسان بودند، که امتعه تجارتی شهر اول الذکر، نیشکر و گاو و گوسپند و از آخر الذکر مشک و گوهر و جامهای گرانبها بود و مقریزی وقتی که از انواع منسوجات معروف مصر نام می برد، در آن پارچه بی را به نام خراسان نیز در ردیف نفایس زربفت و مخمل و غیره می شمارد.

اما خراسان به قول جوزجانی مؤلف حدودالعالم سرزمینی بود آبادان و با نعمت و دارای معادن از سیم و جواهر، و پیدایش گاه اسپ و جامه ها و پیروزه و داروها و ابریشم و پنبه، که مرکز بزرگ تجارتی آن نیشاپور بود، اما امتعه مشهور پیداوار شهرهای خراسان عبارت بودند:

از هرات: کرباس و شیر خشت و دوشاب.

از مالن: مویزطایفی.

از کروش: کشمش  
 از مرو: پنبه اعلی و جامه های قزین و سرکه.  
 از گوزگانان (سرپل کنونی): اسپان خوب و نمد و ننگ اسپ و زیلو و پلاس.  
 از تالقان: نیبذ و نمد  
 از کندرم: نمد  
 از بلخ: ترنج و نارنج و نیشکر و نیلوفر  
 از تخارستان: گوسپند و غله و میوه های گوناگون  
 از سمنگان: نیبذ و میوه.  
 از بنجهیر (پنجشیر کنونی) سیم و نقره  
 از غور: پرده و زره و جوشن و اسلحه نیکو.  
 از سیستان: فرشها و زیلو و خرمان و انگور.  
 از بست (مرکز بزرگ تجارت هند) میوه های خشک و کرباس و صابون.  
 از درغش (زمینداور) زعفران.

از بدخشان: سیم و زر و بیجاده و لاجورد.<sup>(۱)</sup>

المقدسی در باره اوضاع اقتصادی برخی از بلاد معلومات مغتنمی دارد، که از آن جمله است: در بدخشان: معدن جوهریست شبیه به یاقوت که غیر از آنجا یافته نشود، معادن لاجورد و بلور و سنگ باد زهر و سنگ فتیله که بدان چراغ افروزند نیز در آنجاست. در غزنی نرخها ارزان است و گوشت های آن خیلی پاکیزه است. بست دارای خرما اعلی و انگور فراوان و سدر و ریحان، و هرات پیدایشگاه انگور زیاد و میوه های فراوان و کنجد و دوشاب و فولاد و پسته و انگوزه دیباج و زبیب طایفی است.

در مرو: قز و ابریشم و پنبه و گاو و پنیر و شیره و مس و کنجد و زبیب و عسل و انجیر و انار و زاک کبریت و روی و زرینخ و در غرچ الشار نقره و نمد و اسپ اعلی و انسرو در والوالج: جوز، پسته، برنج و نخود و شاخ و پوستها روباه و معادن طلا در پروان و بنجهیر (پنجشیر) پیدامی شود<sup>(۲)</sup>.

ابن حوقل از نان و خرما و انگور و انگوزه سیستان، و غلات و خج، و نخیل و انگور های بست (تجارت گاه هند) و زالقان (زله خان کنونی) و فیروز قند (کشک نخود) و سروان (ساروان قلعه کنونی زمینداور) به تخصیص ذکر مینماید و کشمش و زبیب طایفی کروش هرات را که به تمام ممالک تا عراق صادر می شد خیلی می ستاید، و از جامه های نخکی کابل که به خراسان و چین و سند برده می شد و معادن آهن این جا خبری میدهد.<sup>(۳)</sup>

فون کریمر محقق المانی میگوید: که شمشیرهای شبرقان (شبرغان کنونی) در کشور عباسیان خیلی شهرت داشت و شمشیرهای مهند (هندی) نیز از این راه تجارت میشد<sup>(۴)</sup> نمد و مفروشات پشمی (گلم) تالقان و قالین آنجا شهرتی داشت و از منسوجات گرم آن رداء و عبا مخصوصا مستعمل بود.<sup>(۵)</sup>

شهرهای معظم که در خراسان و سیستان و زابل مراکز تجارت و بازرگانی بودند، دلیل اند بر ترقی زراعت و آبیاری و تجارت و صنعت.

۱ - حدود العالم.

۲ - احسن التقاسیم ۲۰۰ بیعد.

۳ - سوراً الارض ۱۸ بیعد

۴ - تهذیب مشرق ۱ عصر خلفاء ارواس ۲۲.

۵ - سورة الارض ابن حوقل، ص ۲۱۳.

تا جایی که از اوراق تاریخ مستفاد می شود، دولت اموی و آل عباس بغداد، عایدات ذیل را بصور خراج و جزیه و زکاة و خمس غنایم و عشور و عایدات زمینهای مخصوص ازین سرزمین داشت:

از خراسان (۲۸۰۰۰۰۰۰۰) درهم، (۲۰۰۰۰) قطعه نقره.

(۴۰۰۰۰) حیوان بار بردار (۱۰۰۰۰) غلام.

(۲۰۰۰۰) لباس (۳۰۰۰۰) رطل هلیله

از سجستان: (۴۰۰۰۰۰۰) درهم، (۳۰۰) دست لباس (۲) هزار رطل فانیند (شکر سپید)

از طوران و مکران: (۴۰۰۰۰۰۰) درهم (۶)

اما به قول قدامه بن جعفر درحالت صلح عایدات دولت عباسیه چنین بود:

از خراسان: سی و هفت ملیون درهم.

از سجستان: یک ملیون درهم.

از طوران تا مکران: یک ملیون درهم (۷)

اما مؤلف نامعلوم تاریخ سیستان، عمل سیستان را پس از اسلام به قرار صلح و قدیم چنین می نویسد:

از کورتهای سجستان، بست، رخد، کابل، زابلستان، نوزاد، زمینداور، اسفزار و خجستان: الف الف درهم (یک ملیون)

عمل خراسان تا غایت حد اسلام، به روزگار عبدالله بن طاهر در حدود ۲۱۱ ه: سی و هشت ملیون درهم (۸)

باز همین مؤلف در شرح مالیات سیستان گوید: که تمام خراج سیستان به اندازه (۵۰۲۹۷۰۰۰۰) درهم لست، که از

انجمله (۸۵۰۰۰۰) درهم عایدات حاصله و جزیه و باقی (۵۰۳۱۲۰۰۰۰) درهم از انواع خراج است. (۹)

اما این خرداد به در حدود (۲۳۲) از روی اسناد معتبر رسمی، معلومات مهمی را فراهم آورده، که سازمان اداری و

مالیاتی دربار خلافت همان بود، که قبل از اسلام در خراسان رواج داشته است، پول طلائی دینار بود، که ۲۴،۴ طلا

داشت، و پول نقره درهم بود، که ۹۷،۲ نقره داشت در مالیات جنسی کیلی معمول بود که کر (بضم اول) میگفتند معادل

شش خروار و این خرداد به درآمد سرزمین های شرقی خلافت را چنین نگاشته است:

سیستان: (۷۷۶۰۰۰۰) درهم.

رخج و زابلستان و زمینداور تا تخارستان: (۱۴۷۰۰۰۰) درهم.

سرخس: (۴۰۳۰۷) درهم

مروشاهجان: (۱۴۷۰۰۰) درهم.

مرو رود: (۴۰۰۴۲۰) درهم.

بادغیس: (۴۴۰۰۰۰۰) درهم.

هرات اوسفزار و گنج رستاق: (۱۱۵۹۰۰۰) درهم.

فوشنگ (غرب هرات): (۵۵۹۳۵۰) درهم.

طالقان بین مرو رود و بلخ: (۲۱۴۰۰) درهم.

غرجستان، میان هرات و مرو رود و غزنه: (۱۰۰۰۰۰۰) درهم دو هزار گوسپند.

نواحی تخارستان بین بلخ و جیحون: زم (۱۰۲۶۰۰) درهم.

6 - کتاب الوزراء و الكتاب الجیشیاری، ص ۲۸۱-۲۸۸ و تاریخ التمدن الاسلامی جرجی زیدان ۲/۵۳ به حواله ابن خلدون.

7 - کتاب الخراج ۲۴۹۱.

8 - تاریخ سیستان ۲۶.

9 - ایضا ۳۰-۳۱.

فاریاب : (۵۵۰۰۰۰) درهم.  
 قبروغن : قته غن ؟ : (۴۰۰۰۰) درهم.  
 گورگانان : (۱۵۴۰۰۰۰) درهم.  
 بونده : (۲۰۰۰) درهم.  
 برمخان و بنجار : (۲۰۶۵۰۰) درهم.  
 ختلان و بلخ و کوهستان آن : (۱۶۳۳۰۰) درهم .  
 مندجان : (۲۰۰۰) درهم.  
 خلم ( ۱۲۳۰۰ ) درهم.  
 روب و سمنگان : ( ۱۲۶۰۰ ) درهم.  
 ریوشاران ( ۱۰۰۰۰ ) درهم  
 بامیان : ( ۵۰۰۰ ) درهم  
 کابل ( ۲۵۰۰۰۰۰ ) درهم نقد و دو هزارکنیز به قیمت ششصد هزار درهم.  
 مکران : ( ۱۰۰۰۰۰۰۰ ) درهم.  
 شغنان : ( ۴۰۰۰۰ ) درهم.  
 و خان : ( ۲۰۰۰۰ ) درهم.  
 کست ( خوست ) : ( ۱۰۰۰۰ ) درهم.  
 اخرون : ( ۲۲۰۰۰ ) درهم<sup>10</sup>

این احصائیه ابن خرداد به عایدات دولتی را در اوایل دوره اسلامی اموی و عباسی نشان میدهد اما المقدسی از وضع بعدی هنگام پیدایش دولتهای خراسانی چنین می نویسد:

اقالیم خراسان در دست آل سامان اند و بایشان خراج دهند. مگر امیر سیستان و خوارزم و غرج الشارو جوزجان و بست و غزنین و ختل هدایا فرستند. سیستان در دست آل لیث و غرج در دست شارنو جوزجان در دست آل فریغون و غزنین و بست در دست اترک الیث خراج و خان چهل هزار درهم واصل خراج خراسان چهل و چهار ملیون و هشت صد هزار و نه صد و سی درهم بازواید ذیل است:

بیست هزار و آب و گوسپند. یکهزار و دوازده غلام البسه و تخته های آهنی، ۱۳۰۰ تخته، که برقی نفر غلام هشتاد تا صد درهم و برکنیزان تورکی بیست تاسی درهم و بر اشتر دو درهم، و بر قماش یک درهم و بر نقره قالبی یک درهم تا نیم درهم مالیات اخذ می شد.<sup>(11)</sup>

از اعداد ذیل که المقدسی داده متفاوت مالیات و عایدات در دوره یکصد سال بعد از این خرداد به ظاهر است:

خراج سیستان ۹۴۷۰۰۰ درهم  
 خلم ۱۲۰۰۰ درهم .  
 غزنه ۶۰۰۰۰۰۰ درهم  
 کابلستان : ۱۵۰۰۰۰۰۰ درهم  
 بلخ ۱۹۳۳۰۰۰ درهم  
 هرات ۱۹۳۵۴۲۱ درهم

<sup>10</sup> - ممالک الملک ابن خردافیه وتاریخ تمدن ایران ساسانی ص ۳۰۰ بیعد

<sup>11</sup> - احسن تقاسیم ۲۶۵ بیعد

مروشاه جان ۱۱۳۲۱۸۴ درهم

طخار و بامیان ۱۵۶۴۳۲ درهم

جوزجان ۴۰۲۲۰ درهم

مروالروود ۱۲۳۷۰۰۰ درهم

سرخس : ۹۰۰۰۰ درهم

مکران ۱۰۰۰۰۰۰ درهم (12)

در این عایدات مبالغی که از جزیه به دست می آمد از اهل ذمه و از باب ادیان دیگر سماوی غیر از اسلام گرفته می شد و به قول امام ابو یوسف در خراسان فی نفر سه دینار معین بود، که فقراء و نیاز مندان از آن مستثنی بودند، و این مبلغ در عصر عبدالملک اموی مقرر شده بود. (13)

اما در قسم خراج به قول مقریزی در عصر اموی از یکجریب تا کستان ده درهم و از نخلستان هشت درهم و از نیشکر زار شش درهم و از میوه زار پنج درهم و از گندم زار چار درهم و از زمین نوه درهم مالیه اخذ می شد. حالا از مطالعات تاریخی فوق یک نتیجه می کشیم : مجموعه عواید مالی دولت عربی از اراضی خراسان از نیشاپور تا مجاری سند از جیحون تا بحیره عرب به قول قدامه و مؤلف نامعلوم تاریخ سیستان در حدود ۳۹ میلیون درهم و به قول الجهشیری و ابن خلدون در حدود ۳۵ میلیون، و به قول ابن خرداد به در حدود بیست میلیون بود. که حد متوسط آنها میتوان از ۳۰ تا ۳۳ میلیون تخمین کرد. اگر به قول مقریزی وزن هر ده درهم را شش تا هفت مثقال نقره بشماریم قیمت همین ۳۳ میلیون درهم در حدود دو میلیون افغانی کنونی تخمین می توان کرد.

### تخمین مصارف دریکی از ولایات افغانی

راجع به عواید مالی دولت ها عربی از خراسان معلومات متفرق طوری که در بالا گفته شد در دست است. اما از مصارف آن اطلاعی نداریم، تنها مؤلف نامعلوم تاریخ سیستان فهرست دقیقی را از مصارف دولت در سیستان داده است، که میتوان از آن انواع و اندازه مصارف حکومت را در آن عهد فهمید، و ما آنها ذیلا می آوریم، تافی الجملة موازنه کوچکی از بودجه دولتی یکی از ولایات آن عهد بدست آید: مؤلف مذکور عمل خراج سیستان را در حدود (۵۳۹۷۰۰۰) درهم به قلم دارد. (14)

و مصارف آنها چنین شرح میدهد:

خاص برای سلطان ( مصارف دربار شاهی )	۲۰۰۰۰۰ درهم
راست کردن تیموق ؟ ( شاید بند دریای هلمند )	۲۰۰۰۰۰ درهم
راست کردن باره ( قلعه )	۱۲۰۰۰ درهم
راست کردن کورها ( خرابی های سیلاب )	۴۰۰۰۰ درهم
راست کردن قلاع پراکنده	۵۰۰۰۰۰ درهم
برای محبوسان	۲۰۰۰۰۰ درهم

12- ایضا ۲۴۰

13- کتاب الخراج ۲۳.

14- ابن عمل به قول شهزاده صفای 11 ه حسین بن ملك غياث الدين مؤلف احياء الملوك در عهد شاه رخ میرزاتیموری به هشت میلیون و پنجمصد و دوازده هزار درهم ي مثقالی نقره میرسد.

۳۰۰۰۰ درهم	مصارف ماه رمضان در مسجد جامع <sup>15</sup>
۲۰۰۰۰ درهم	برای موزنان تمام سیستان
۵۰ درهم	خریداری صد نفر بنده برای آزاد کردن هر سال
۲۰۰۰۰ درهم	مصارف بیمارستان (شفاخانه)
۲۵۰۰۰ درهم	بستن بندها
۳۰۰۰۰ درهم	والی شرطه ( پولیس)
۵۰۰۰۰ درهم	بندار خراج و دبیران او ( رئیس مالیه)
۲۰۰۰۰ درهم	صاحب مظالم ( غالباً عدلیه)
۳۰۰۰۰ درهم	ریگ ستنها (بندها برای دفع ریگ)
۵۰۰۰۰ درهم	یرن ( سدخاکی در معبر رودها)
۳۰۰۰۰۰ درهم	پلها وجویها و معبرکشتی های هلمند

غیر از مصارف معین مذکور که مؤلف تاریخ سیستان اشاره میکند بقیه عایدات را بر جای نهادندی و ذخیره کردندی، برای انبای سیل و ضعف نفقات و حامه غرباء و مصارف دیگریکه با اختیار والی بودی، در دادن و امها و تعمیر خرابی ها و غریق و مهمانی های عیدها و بخور و غالبه نیز مصرف شدی.<sup>(16)</sup>

از روی احصائیه تاریخ سیستان بودجه یکساله آن ولایت چنین به دست می آید:

۵۳۹۷۰۰۰ درهم	عایدات دولتی
۱۸۷۵۰۰ درهم	مصارف
۴۶۱۵۵۰۰ درهم	باقیمانده پس انداز خالص:

و ازین تابلو آشکار است، که مصارف دولت در مقابل درآمد خیلی ناچیز بود، و شاید مؤلف تاریخ سیستان این احصائیه را از وقتی داده است که سیستان آزادی داشته و مستقیماً با خلافت بغداد ملحق نبود. والا شاید در عصر خلافت بقیه همین مبلغ درآمد دولت به خزانه بغداد نقل می شد و یا به صورت تحف و هدایا به دربار خلافت ارمغان میگردد.

### مسکوکات و لوزان و اکیال

علاوه از مسکوکاتیکه در دولت اموی و عباسی به نام خلیفه در تمام ولایات اسلامی ضرب شده، در خراسان تا مجاری سند، برخی از مسکوکات سابقه دولتهای غیر اسلامی نیز رایج بود، و گاهی بر مسکوکات سابقه شاهان ساسانی با شاهان بودایی و مقامی گندهارا و باختر و زابلستان، نام خلیفه و کلمه طیبه را هم ضرب میگردد. طوری که مقریزی شرح میدهد: در عصر اسلامی حضرت عمر فاروق نخستین بار مسکوکاتی را شکل و صورت دراهم کسروی (ساسانی) نشر کرد و بر آن لا اله الا الله وحده و محمد رسول الله را نوشت و وزن این دراهم هژده درهم شش مثقال نقره بود، و حضرت عثمان بر آن الله اکبر را نوشت.

در عصر امیر معاویه، زیاد بن ابوسفیان در بصره و کوفه دراهمی را رواج داد، که هرده درهم آن هفت مثقال نقره داشت. وسکه یی که در دمشق از طرف امیر معاویه ضرب گردیده شکل انسانی داشت که در گردن وی شمشیر حمایل بود، در عصر اموی مصعب بن زبیر نیز در عراق بر اساس دراهم اموی سکه زد و عبدالملک اموی نیز به ذریعه حجاج

<sup>15</sup> - بهر قاری و خادم و محافظ مسجد در ماه رمضان فی نفر بیست درهم

<sup>16</sup> - تاریخ سیستان ۳۲ بیعد

در عراق دراهم مسوری را به وزن هر درهم شش دانگ (دوانیق) رواج داد، که برآن قل هو الله احد نیز نوشت.<sup>(17)</sup> اما درخراسان علاوه بر رواج مسکوکات اسلامی هر یکی از شاهان طاهری و ساسانی و صفاری مسکوکات طلائی و نقره برسم الخط کوفی با نام شاه و خلیفه رواج داده بودند. و بسا از سکه های مضروب شاهان سابقه ساسانی و دودمانهای محلی دیده شد. که برآن علاوه بر نقوش سابقه آن به خط کوفی علایم اسلامی را هم ضرب داد، و مروج ساخته اند. حتی در عصر سلطان محمود برخی از مسکوکات به رسم الاخط سنسکریت هم ضرب شده، و در لاهور به نام محمود پرو سکه زده است. و شهرهایی که دارالضر - و ده غزنه، پروان، نشاپور، هرات، جوزجان، بلخ، ولوالج (تخارستان) زرنج بست و غیره اند.<sup>(18)</sup>

به قول اصطخری وابن حوقل از مسکوکات رایج در سمت مشرقی افغانستان تا مجاری صند سکه بی بود به نام فهری به قهریات والقندهاریات ابن حوقل که منسوب به گندهارا زمین بین کابل و راولپندی بود، و این مسکوکات را حکمران اسمعیلی ملتان و لودیان آنجا که بیش از عصر سبکتگین حکمرانی داشتند، نیز ضرب میکردند و وزن هر فهری مساوی پنج درهم عراقی بود، و همچنین مسکوک خالص طلائی مساوی سه درهم هندی بود.<sup>(19)</sup> و قنبری در غزنین نیز رواج داشت.<sup>(20)</sup> و تاچهل سال قبل مسکوکات (قندهاری) را بین خود مروج داشتیم. قراری که المقدسی اشاره میکند، معیار وزن "من" در منصوره و ملتان و قندهار و طوران مساوی من مکی بود، و پیمانۀ دیگر را "کیجی" میگفتند مساوی، ۴۰ من که درگیج و طوران رواج داشت به قول او در ویهند کنار اتک نرخها آنقدر ارزان بود، که سی من غسل را بدر همی فروختندی، و در ملتان سی من نان بدرهم وسه من فانید (شکر سپید) به یک درهم بود، و هم در اراضی مشرقی افغانستان تا ملتان کیلی به نام (مطل) مساوی دوازده من روایی داشت.<sup>(21)</sup>

## استدراک

### راجع به مورکرافت سیاح انگلیسی

در شماره هفتم سال بیستم مجله آریانا درمقاله قدیمترین مسافران انگلیسی در افغانستان ذکری از مورکرافت رفته است.

چون در شرح حال وی نکته ذیل نیز قابل یاد آوریت و از آن مقاله نوت شده، بنابراین به طور استدراک آن طبع می شود.

این شخص به انکشاف معلومات آسیای وسطی دلچسپی زیادی داشت، چنانکه در سنه ۱۲۲۷ میر عزت الله نامی را از اتک براه تبت و یا کند به بخارا فرستاد. میراز بخارا براه بلخ و خلم و بامیان و کابل به پشاور برگشت، و در ماه ذیحجه ۱۲۲۸ واپس از این سفر رسید.

عزت الله معلومات گرانهای در این سفر فراهم آورد، و روز نامچهره سفر خود را نیز نوشت، که برخی از معلومات او را اولسن در مجله چاماهه کلکته در سال ۱۸۲۵ م نشر کرد، آغاز مسافرت عزت الله از اتک ۲۷ رجب ۱۲۲۷ بود. اصل سفرنامه میرعزت الله اکنون به نمبر ۲۷۲۸ در اندیا آفس موجود است (فهرست مخطوطات فارسی اندیا آفس از هرمان ایتهمی طبع اکسفورد ۱۹۰۳م)

17 - قود اسلامیة مقریزی نسخه خطی مکتبه الظاهر دمشق.

18 - لنگورت دیمز، انسکلوپیدی اسلامی ج ۱

19 - ممالک الممالک اصطخری وسورة الارض ابن حوقل ۲۲۱ وانسکلوپیدی اسلامی

20 - احسن التقاسیم ۴۸۱.

21 - ایضا ۱.

عبدالحي حبيبي